

اگلووی
اسلامی
ایرانی

آسیب‌شناسی موانع تولید علوم انسانی اسلامی و تحقق جنبش نرم‌افزاری

(با استفاده از دیدگاه‌های اساتید و صاحب‌نظران حوزه تولید علم دینی)^۱

حسن محمدمیرزائی^۲، ابوالفضل ذوالفقاری^۳، حسن مرادی^۴

چکیده

جنبش نرم‌افزاری و تولید علم دینی (بالاخص در حوزه مطالعات علوم انسانی) یکی از مهمترین مسائل مطرح در مجامع علمی ایران (اعم از حوزوی و دانشگاهی) طی سالیان اخیر بوده که البته با فراز و نشیب‌های زیادی نیز همراه بوده است. اما به اعتقاد برخی این فعالیت‌ها آنچنان که باید و شاید در خور ماهیت، اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی نبوده و در واقع با آسیب‌ها و موانع مختلفی دست به گریبان بوده است. با توجه به همین موضوع، این مقاله در پی آن است که با بهره‌گیری از روش نسبتاً بدیع گراند تئوری (نظریه داده بنیاد) و با استفاده از دیدگاه‌های ۱۲ تن از اساتید و صاحب‌نظران مطرح این حوزه که با استفاده از نمونه‌گیری نظری (مبتنی بر هدف) انتخاب شده‌اند، موانع پیش روی تولید علم دینی (با تأکید بر حوزه علوم انسانی) را تبیین و آسیب‌شناسی نماید که در نهایت با طی نمودن مراحل مختلف روش مزبور، این موانع را در سه سطح "معرفتی"، "ساختاری" و "ذهنی و اخلاقی" دسته‌بندی کرده و در پایان با انجام فرآیند کدگذاری‌های باز، محوری و گزینشی، مدل نظری مناسب برای این مسئله را پیشنهاد می‌نماید.

واژگان کلیدی: علم دینی، علوم انسانی اسلامی، جنبش نرم‌افزاری، آسیب‌شناسی، نظریه داده بنیاد

۱. این مقاله برگرفته از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد می‌باشد که مورد حمایت دبیرخانه حمایت و هدایت پایان نامه‌ها و رسائل علوم انسانی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها قرار گرفته است. نسخه اولیه این مقاله در هشتمین کنگره "پیشگامان پیشرفت" (دانشگاه تهران- آبان ۱۳۹۴) در قالب پوستر ارائه و به عنوان مقاله برگزیده انتخاب و در سایت SID نمایه گردیده است.

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین (ع) (نویسنده مسئول)

h.mmirzaie@chmail.ir

۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد

۴. استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه شاهد

۱. مقدمه و بیان مسئله

با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، شرایطی ایجاد شد که با گذشته خود بسیار متفاوت بود، انقلابی که با برهم زدن معادلات جهانی (و علی رغم تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های بسیاری از اندیشمندان)، داعیه دار حرف جدیدی برای بشریت بود و با برگرداندن دین به عرصه تعاملات اجتماعی، زمینه ساز نگرش نوینی نسبت به دین و مذهب در دنیای معاصر گردید. «دیدگاهی که مارکس، دورکهایم و وبر همگی در آن سهم بودند این بود که دین سنتی بیش از پیش در دنیای مدرن به صورت امری حاشیه‌ای در می‌آید و دنیوی شدن فرآیندی اجتناب ناپذیر است. از سه جامعه شناس شاید تنها وبر می‌توانست حدس بزند که یک نظام سنتی مانند اسلام ممکن است تجدید حیات عمده‌ای پیدا کند، و پایه تحولات مهم سیاسی در اواخر قرن بیستم؛ شود؛ با این همه این دقیقاً همان چیزی است که در دهه ی ۱۹۸۰ در ایران رخ داد» (گیدنز، ۱۳۸۶: ۵۱۶). لذا طبق این دیدگاه‌های جامعه شناسانه، تحقق انقلاب اسلامی، پدیده‌ای استثنایی و برخلاف معادله‌های بین المللی بود که تحلیل گران سیاسی احتمال وقوع آن را مطرح نمی کردند. چنین انقلابی توانست به سرعت بر معادله‌های جهانی اثر گذاشته و تمام جهان را تحت الشعاع خود قرار دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۲۰). انقلابی که به عنوان یک انقلاب ایدئولوژیک و با جهان بینی خاص خود، از مکتب اسلام سرچشمه گرفته بود، انقلابی که در بُعد ملی احیاگر طرح‌ها، برنامه‌ها و نظریات خاص برای حکومت و دولت مداری بود و در بُعد جهانی نیز با توجه به جهان شمولی مکتب اسلامی، دارای افکار و نظریات خاص خود بوده و ارائه دهنده نظام جهانی ویژه خود می باشد» (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۹).

با توجه به این که از یک سو؛ به اعتقاد برخی از صاحب نظران، علم بخشی از بافت فرهنگی اجتماعی یک جامعه و حتی یکی از جلوه‌های آن می‌باشد (محسنی، ۱۳۹۲: ۱۱) و از سوی دیگر، انقلاب اسلامی و به تبع آن جمهوری اسلامی به دنبال ارائه طرحی جدید می‌باشد که بر خلاف سایر مدل‌ها و شیوه‌های حکومت داری دنیای معاصر، مبتنی بر یک سری مبانی فلسفی و معرفتی خداگرایانه است (افروغ: ۱، ۱۳۸۶: ۲۲۱) همین امر، اهمیت تولید علم بومی مبتنی بر این مبانی را بیش از پیش، نمایان

می‌سازد چرا که بنیان علم بر مبانی فلسفی و متافیزیکی است و با تغییر این مبانی، تغییراتی در ساز و کارها، اهداف و حتی در روش‌ها ایجاد می‌گردد (افروغ، ۲، ۱۳۸۶: ۲۳). امری که گلشنی نیز آن را به این صورت تأیید می‌نماید: «پیش فرض‌های متافیزیکی در نظریه‌پردازی‌ها، روش‌ها و مسائل مورد بررسی دخالت دارند و علم، مبتنی بر پیش فرض‌هایی است که خود نمی‌تواند آن‌ها را اثبات یا رد کند» (گلشنی، ۱۳۸۵: ۳۹-۳۸). با توجه به تمامی این مباحث، بسیار واضح است که بحث تولید علم بومی و ایجاد یک جنبش نرم‌افزاری برای ادامه حیات انقلاب و این کشور امری بسیار لازم و ضروری است (میرباقری، ۱۳۸۶: ۱۸۰) که البته انقلاب اسلامی بسیاری از موانع سیاسی را که مانع از رشد و گسترش علم دینی در کشور بود را از میان برداشته است (پارسانیا، ۱۳۸۵: ۱۷۳). اما با وجود این که طی سال‌های اخیر فعالیت‌های گوناگونی در مراکز و مؤسسات مختلف دولتی و غیر دولتی در این راستا صورت گرفته است ولی با گذشت قریب به چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، مجموع این کارها در حد و اندازه ماهیت انقلاب اسلامی نبوده است، موضوعی که باعث دغدغه بسیاری از مسئولین و اندیشمندان نواندیش کشور گردیده است. البته با نگاهی به بیانات رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) متوجه می‌شویم که این موضوع از سال‌های دور مورد تأکید ایشان بوده و یکی از دغدغه‌ها و مطالبات اصلی ایشان از قشر فرهیخته جامعه - اعم از دانشگاهی و حوزوی - کشور می‌باشد: «آنچه که باید در زمینه پیشرفت علم و استقلال در بینش علمی و پیگیری علمی کار کنیم، تا به حال کم کار کرده ایم» (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰: ۷۰۳) و البته این مسئله در سال‌های اخیر نیز مجدداً مورد تأکید صریح ایشان قرار گرفته است: «اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته در انقلاب، در این بخش [بخش نرم‌افزاری تمدن]، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول [بخش سخت‌افزاری تمدن] حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟» (بیانات ایشان در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳؛ به نقل از KHAMENEI.IR). با عنایت به همین قضایا است که عماد افروغ نیز با نگاهی هشدارآمیز چنین ابراز می‌دارد: «با پیروزی انقلاب اسلامی، در انتظار یک رویش جدید در عرصه علم و فن‌آوری بودیم؛ اما متأسفانه به دلایلی،

هرچه از ابتدای انقلاب بیشتر فاصله می‌گیریم از آن حال و هوای مبارک و مقدس دورتر می‌شویم» (افروغ، ۲، ۱۳۸۶: ۱۹).

بنابراین در مجموع با عنایت به بحث‌های مهمی همچون؛ تأثیر شگرف علم و دانش درون‌زا بر: استمرار و بازتولید مبانی و آموزه‌های اصیل انقلاب اسلامی، ارائه طرح‌ها و الگوهای بومی برای پدیده‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایجاد بستری لازم جهت تأثیر پذیری بسیاری از کشورهای در حال توسعه (بالاخص مسلمان) از نظام جمهوری اسلامی و... در روند انجام این پژوهش در پی آن هستیم که با نگاهی آسیب شناسانه دلایل حرکت نه چندان مطلوب تولید علوم انسانی اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم؛ چرا که تحقق ایده‌ها و آرمان‌های این انقلاب عظیم بدون توجه به یک نهضت و جنبش نرم‌افزاری میسر نمی‌شود (میرباقری، ۱۳۸۳: ۶۶).

اما با توجه به مباحث ارائه شده، مهمترین دلایل اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق را می‌توان در موارد زیر احصاء نمود:

۱. اهمیت تولید علم در بازتولید و استمرار اصول و مبانی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران.
۲. لزوم طراحی و اجرای مدل‌های بومی همچون؛ الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، مردمسالاری دینی و ...
۳. شکل‌گیری تحولات اخیر در منطقه خاورمیانه و ایجاد بستری مناسب جهت انتقال تجربیات و مدل‌های طراحی شده در جمهوری اسلامی ایران.
۴. لزوم آسیب‌شناسی موانع پیش روی تولید علوم انسانی اسلامی و تحقق جنبش نرم‌افزاری جهت آشنایی بیشتر مسئولین و پژوهشگران برای اتخاذ تدابیر مناسب جهت بازنگری مسیر طی شده و ادامه جدی‌تر و البته صحیح‌تر مسیر تحقق جنبش نرم‌افزاری.

۲. پیشینه تحقیق

پیرامون مسئله مورد مطالعه در این پژوهش تحقیقاتی صورت گرفته و در قالب مقاله، کتاب و پایان نامه منتشر گردیده است. اما تفاوت اصلی این پژوهش با بسیاری از تحقیقات مشابه قبل از آن را می‌توان در استفاده هدفمند از دیدگاه‌های مختلف و در نتیجه "جامعیت" مولفه‌هایی شناسائی شده و همچنین مبتنی بر "روش مندی علمی" آن دانست که این امر در مقایسه با سایر تحقیقات به وضوح

قابل مشاهده است. با در نظر گرفتن این دو نکته، چهار مورد از تحقیقات مزبور معرفی می‌گردد:

۱. عبدالحسین خسروپناه در مقاله‌ای تحت عنوان «آسیب‌شناسی جنبش نرم‌افزاری» معتقد است همانگونه که هر طرح و ایده‌ای ممکن است در مرحله نظریه پردازی و اجراء دچار آسیب و انحراف گردد، بحث جنبش نرم‌افزاری هم از این قاعده مستثنی نبوده است، در نهایت ایشان آسیب‌های این جنبش را در سه دسته معرفتی، اجتماعی و روانی طبقه‌بندی نموده است و معتقد است آسیب‌های "معرفتی"، ریشه‌ای‌ترین و مهمترین این آسیب‌هاست (خسروپناه، ۱۳۸۳).

۲. حسین سوزنچی نیز در کتابی تحت عنوان «معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی» به دنبال ارائه راهکارهایی جهت تحقق علم دینی می‌باشد، راهکارهایی که طبیعتاً ریشه در بررسی آسیب‌ها و موانع پیش روی تولید علوم دینی دارد و می‌توان این آسیب‌ها را در لابلای راهکارهای ایشان ذیل بحث‌های برنامه‌های "آموزشی و درسی" (برقراری نوعی تعامل بین اندیشه‌های غربی و آموزه‌های اسلامی)، "برنامه‌های تربیتی و پرورشی" (توجه جدی به ابعاد فرهنگی و تربیتی معلمان، متعلمان و محیط آموزشی با توجه به ارتباط علم با شخصیت عالم) "نظام رسمی علم و ساختارهای فرهنگی حاکم بر دانش و پژوهش" (ضرورت ایجاد تحول عمیق و طراحی نظام جدیدی برای اعتبار بخشی به فعالیت‌های پژوهشی) مشاهده نمود (سوزنچی، ۱۳۸۹).

۳. افروغ نیز در کتاب خود تحت عنوان «محتواگرایی و تولید علم» که ناظر به نقد رویکردهای قالب گرایانه، کمی و اثبات گرایانه حاکم بر نظام آموزش رسمی کشور می‌باشد به دنبال نجات کشور از عقب ماندگی علمی است. او معتقد است بیگانگی دست اندکاران نظام آموزشی با مباحث معرفت‌شناسی و فروافتادن آن‌ها در معرفت‌شناسی‌های بی‌ریشه و پوزیتیویستی، و همچنین غفلت آن‌ها از نسبت علم با فرهنگ و جامعه باعث شده است تا اولاً تلاش‌ها و آثار علمی دقیق و عمیق غیر اثبات گرایانه بسیاری از اندیشمندان داخلی نادیده گرفته شود و ثانیاً انگیزه و تلاش علمی دانشگاهیان به مسیر معرفت تجربی هدایت گردد. در نهایت ایشان در بحث آسیب‌شناسی فضای حاکم بر دانشگاه‌ها به ۲۵ آسیب اشاره می‌نماید که برخی از مهمترین آن‌ها عبارتند از: بیگانگی با زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، غلبه نگاه پیش زمینه‌ای و سخت افزارانه به علم، عدم انطباق بین دانش

نظری و دانش عملی، خروج مرجعیت از داخل به خارج، بی توجهی به مبانی متافیزیکی علم، غفلت از نظم هنجاری و علم اجتماعی محقق، خط و ربط گرفتن از سیاست، فقدان حقوق معنوی در دانشگاه، کثرت سرقت‌های علمی و ... (افروغ، ۲، ۱۳۸۶).

۴. پژوهش "بررسی چالش‌های نهضت نرم‌افزاری (تولید علم) از دید اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد تهران در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶" (پایان نامه مقطع کارشناسی) نیز جزو تحقیقات مرتبط با موضوع این پژوهش است. در تحقیق مورد اشاره، محقق از بین جامعه آماری ۲۸۰ نفری اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد، تعداد ۱۰۰ نفر از آن‌ها را با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم و به صورت تصادفی ساده انتخاب کرده است و چالش‌های مورد بررسی در این پژوهش شامل؛ عدم نهادینه شدن فرهنگ پژوهش بین اعضای هیأت علمی، ناکارآمدی نظام مدیریت پژوهش دانشگاهی و سیاست‌گذاری‌های نامناسب آن و عدم تخصیص و توزیع نامتناسب بودجه و امکانات پژوهشی بوده است. در این تحقیق که با رویکردی توصیفی و با بهره‌گیری از روش پیمایش انجام شده است هر سه مورد اشاره شده در بحث چالش‌های تولید علم، در حد بالاتر از متوسط مورد تأیید قرار گرفته‌اند (بروغنی، ۱۳۸۷).

۳. هدف و سؤال پژوهش

همانگونه که مشخص شد هدف اصلی این تحقیق ناظر به موانع پیش روی تولید علوم انسانی اسلامی و تحقق جنبش نرم‌افزاری است که چگونگی تحقق این هدف در بخش روش‌شناسی تا حدودی تشریح خواهد شد.

بنابراین سؤال اصلی این پژوهش چنین است:

- مهمترین موانع پیش روی تولید علوم انسانی اسلامی و جنبش نرم‌افزاری چه عواملی هستند؟

سایر سؤالات فرعی این پژوهش نیز عبارتند از:

- موانع معرفت‌شناسانه پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی) چیست؟

- موانع ساختاری و مدیریتی پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی) چیست؟

- موانع ذهنی، اخلاقی و روان‌شناختی پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی) چیست؟

۴. تعریف مفاهیم

با توجه به موضوع مورد مطالعه و روش مورد استفاده در این پژوهش لازم است مفاهیم اصلی پژوهش معرفی شود، لذا در اینجا مفاهیم "علم دینی (اسلامی)" و "جنبش نرم‌افزاری" را تعریف می‌نمائیم:

✓ علوم انسانی اسلامی: علوم انسانی، علمی است که به مطالعه فهم، توصیف و تبیین رفتارهای فردی، جمعی، تاریخی، تمدنی و ماورایی انسان می‌پردازد (واسطی، ۱۳۹۲: ۱۳۹). اما در تولید علوم انسانی دینی (اسلامی) دو قید مهم مطرح می‌شود: «قید "علوم انسانی" که دامنه علم را محدود نموده است و قید "اسلامی" که جهت محتوایی علم را معین کرده است؛ بنابراین نظریه پردازی مورد نظر است که مسائل کشور اسلامی را مبتنی بر اندیشه اسلامی حل نماید» (پیروزمند، ۱۳۹۱: ۴۸۹).

✓ جنبش نرم‌افزاری: یکی از مفاهیمی کلیدی که طی یکی دو دهه اخیر (بلاخص پس از پیام مقام معظم رهبری در سال بهمن ماه ۱۳۸۱ خطاب به اندیشمندان حوزه و دانشگاه) در ادبیات علمی و مجامع اندیشه ورز ما رواج پیدا کرده تعبیر «جنبش نرم‌افزاری» می‌باشد، مفهومی که در واقع ناظر به همین تولید علم دینی می‌باشد. جنبش نرم‌افزاری، حرکتی سازمان یافته با اهداف روشن و ایدئولوژی تعریف شده است که برای ایجاد تغییر و تحول در روند تولید علم، از سه حیث مبانی، کمیت و کیفیت مطرح گردیده است (حسنی، ۱۳۹۰: ۳۶۷-۳۶۶). خسروپناه نیز در تشریح این مفهوم، بر خاصیت مولد بودن آن تأکید می‌کند: «فرآیند خاصی است که نظام آموزشی و پژوهشی مجامع حوزوی و دانشگاهی را به گونه‌ای عالمانه تغییر می‌دهد که ویژگی مصرف‌کنندگی این مراکز را به تولید علم و نظریه پردازی تبدیل می‌گردد و این تبدیل، فزاینده و همگی می‌شود» (خسروپناه، ۱۳۸۳: ۵). البته طبیعی است که این مفهوم، تقریباً مبتنی بر همان اصول و معیارهایی است که در بحث تولید علم دینی باید مورد توجه قرار بگیرد.

۴-۱. روش‌شناسی

نظریه برخاسته از داده، نظریه داده بنیاد، نظریه داده محور، نظریه داده نگر، نظریه زمینه‌ای و رویش

نظریه (گراندد تئوری) تعبیری هستند که در منابع مختلف برای نام گذاری این روش کیفی مورد استفاده قرار گرفته است. این روش نسبتاً بدیع، روش‌شناسی ویژه‌ای است که با هدف نظریه سازی از داده‌ها بر اساس بنیان‌های تفسیری برساختی ابداع شده و در واقع عبارت است از کشف و استخراج نظریه از داده‌هایی که به طور منظم در فرآیند تحقیق اجتماعی به دست آمده باشند (حبیبی، ۱۳۹۳: ۳۰۴). اما در میان رهیافت‌های مختلف این روش (نظام مند، ظاهر شونده و ساخت گرایانه) در این تحقیق از رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین (۱۹۹۰) استفاده گردیده است زیرا با توجه به نظام مندی و مناسب بودن رهیافت استراوس و کوربین برای انجام یک تحقیق اجتماعی و همچنین تأکید بیشتری که توسط صاحب‌نظران برای استفاده از این روش می‌شود، این پژوهش نیز همین رهیافت را مورد توجه قرار داده است. اما این روش، در واقع بر استفاده از مراحل تحلیل داده‌ها از طریق سه نوع کدگذاری باز، محوری و گزینشی تأکید می‌گردد:

الف) کد گذاری باز: در این مرحله، پژوهشگر از طریق جزء به جزء کردن یافته‌ها به شکل بندی مقوله‌های (طبقه‌ها) اطلاعات درباره پدیده مورد مطالعه می‌پردازد. پژوهشگر با استفاده از داده‌های بدست آمده از مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها، یادداشت‌های روزانه و یادداشت‌های فنی مقوله‌های اصلی و فرعی را مشخص می‌نماید.

ب) کد گذاری محوری: در این بخش، پژوهشگر یکی از مقوله‌های کد گذاری باز را انتخاب نموده و به عنوان مقوله یا پدیده اصلی (مقوله کانونی) در مرکز فرآیند مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس سایر مقوله‌ها را به آن مرتبط می‌سازد. به طور کلی، این مقوله‌ها عبارتند از: ۱. شرایط علی (مقوله‌ها یا شرایطی که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند) ۲. زمینه یا محیط (شرایط ویژه‌ای که راهبردها را تحت تأثیر قرار می‌دهد) ۳. مقوله اصلی (پدیده یا هستی اصلی فرآیند مورد مطالعه) ۴. شرایط واسطه‌ای (شرایط عمومی محیطی که راهبردها را تحت تأثیر قرار می‌دهد) ۵. راهبردها (اقدامات یا تعامل‌های ویژه‌ای که از پدیده اصلی حاصل می‌شود) ۶. پیامدها (نتایجی که در اثر راهبردها پدیدار می‌شود). البته انجام مرحله کدگذاری محوری مستلزم ترسیم شکلی به نام نمودار کدگذاری است که رابطه میان شرایط علی، راهبردها، شرایط محیطی، و زمینه‌ای ویژه و پیامدهای حاصل را نمایش می‌دهد.

ج) کدگذاری گزینشی: در این مرحله نیز، پژوهشگر به تکوین نظریه‌ای درباره مقوله‌های بدست آمده در الگوی کدگذاری محوری می‌پردازد. این نظریه، تبیینی نظری از فرآیندی است که مورد پژوهش قرار گرفته است (بازرگان، ۱۳۹۱: ۱۰۲-۹۶).

جامعه پژوهشی این تحقیق شامل کلیه صاحب‌نظران و فعالان عرصه تولید علوم انسانی بومی بالخصوص دینی می‌باشند که با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری «نظری» یا «مبتنی بر هدف» تعداد ۱۲ تن از ایشان مورد مصاحبه باز قرار گرفته‌اند تا موضوع مورد بررسی تبیین گردد، اما در این نمونه‌گیری از موارد برجسته و افراد شاخص استفاده گردیده است چرا که هدف از این نمونه‌گیری انتخاب نمونه‌هایی است که با نظریه همخوانی بیشتری داشته باشد، نظریه را بسط دهد و برای مقولات مختلف نمونه‌هایی ارائه دهد (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۱۲۸). پس طبیعی است که در جریان انجام آن، انتخاب نمونه‌ها به صورت تعمّدی صورت گیرد چرا که تمرکز آن بر تدوین نظریه است (بازرگان، ۱۳۹۱: ۱۱۲). البته این انتخاب نمونه‌ها تا جایی پیش رفته که داده‌ها به مرحله اشباع برسند یا به عبارت دیگر، در مرحله‌ای از کار، داده‌های بدست آمده تکرار گردیده‌اند که در این صورت انتخاب و رجوع به نمونه‌ها متوقف گردیده است.

۵. تحلیل یافته‌های پژوهش

همانطور که گفته شد هدف اصلی این پژوهش «بررسی موانع موجود بر سر راه تولید علوم انسانی اسلامی و تحقق جنبش نرم‌افزاری» است، که یکی از بهترین ابزارها برای نیل به این هدف، بهره‌گیری از یافته‌هایی است که در مصاحبه با صاحب‌نظران و فعالان مختلف عرصه تولید علم دینی حاصل می‌گردد، صاحب‌نظرانی که علی‌رغم تنوع نگرش‌ها و نگاه‌هایشان به مقوله تولید علم دینی، در اصل وجود موانع مختلف بر سر راه تولید علوم انسانی دینی، دارای اتفاق نظر هستند، هر چند این اتفاق نظر دارای محورها و درجات مختلفی است و جمع‌بندی نظرات ایشان در قالب کدگذاری باز و در ادامه ارائه می‌گردد.

- کدگذاری باز -

همانگونه که در بخش روش‌شناسی گفته شد، اولین مرحله در بحث روش نظریه داده بنیاد، کدگذاری باز می‌باشد. در این مرحله با تجزیه داده‌های بدست آمده از مصاحبه‌ها و همچنین یادداشت‌های فنی صورت گرفته حین انجام مصاحبه، مقوله‌های اصلی و فرعی شناسائی می‌گردند، لذا - با توجه به هدف انجام این مصاحبه‌ها - دیدگاه‌های اساتیدی با رشته و تخصص‌های گوناگون (اعم از؛ جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی، فلسفه و حکمت، فلسفه علم، معرفت‌شناسی، متفکران اجتماعی مسلمان، مطالعات زنان و خانواده و...) به صورت مجزا استخراج و سپس تجزیه شده‌اند و در نهایت بر اساس داده‌های بدست آمده، موانع پیش روی تولید علوم انسانی اسلامی، در قالب مقوله‌های کلی، اصلی و فرعی تقسیم‌بندی شده‌اند.

* موانع معرفت‌شناسانه پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی) چیست؟

۱. **مقوله‌های معرفتی:** اولین مقوله‌های شناسائی شده در میان تحلیل‌های بدست آمده از مصاحبه‌ها، مقوله‌های معرفتی یا شناختی می‌باشند که در دو دسته اصلی ناظر به مسائل سلبی و مسائل ایجابی می‌باشد. **الف)** در این تقسیم‌بندی منظور از "مسائل سلبی"، مقوله‌های معرفتی است که در ارتباط با علم و فرهنگ غربی مطرح می‌گردد و در موارد زیر قابل ذکر می‌باشد:

- احاطه فرهنگ علمی غرب در سطح جهان و غالب بودن این دیدگاه در فضای علمی و دانشگاهی کشور
- ابتدای فضای فکری و معرفتی بسیاری از اساتید و دانشجویان علوم انسانی بر مبانی و مبادی معرفتی غرب
- مطلق‌نگری و عدم برخورد صحیح بسیاری از طرفداران علم غربی با این علم و عدم آشنایی لازم با مبادی فلسفی و متافیزیکی آن

- عدم آشنایی و درک صحیح مباحث نظری موجود در علم غربی از سوی برخی حامیان جنبش نرم‌افزاری
- وجود نوعی استبداد معنایی در محدود نمودن مفهوم و گستره علم و برداشت تجربه‌گرایانه از علم
- وجود معارضات جدی معرفتی در زمینه تولید علم دینی و عدم اعتقاد و یقین به قابل شناخت بودن واقعیت و القاء برخی شکاکیت‌ها و مباحث نسبی‌گرایانه
- برخی برخوردهای افراطی و نادرست تعدادی از طرفداران علم دینی در نقد نادرست تمدن و علم غرب و نسبت آن با اسلام

- کپی‌برداری ناقص و نادرست برخی معتقدین به علم دینی از مباحث نظری علم غربی
 - ب) از سوی دیگر، در میان مقوله‌های معرفتی می‌توان به "مسائل ایجابی" نیاز اشاره نمود که در بردارنده مقوله‌هایی است در ارتباط با مبانی و کیفیت تولید علوم انسانی اسلامی مطرح می‌گردد:
 - تلقی و برداشت نادرست از مفهوم علم دینی و عدم شناخت دقیق مسائل مربوط به آن از سوی برخی حامیان این عرصه
 - عدم آشنایی دقیق، عمیق و همه‌جانبه دین توسط برخی صاحب‌نظران و حامیان تولید علم دینی و در نتیجه بهره‌گیری نه چندان درست از معارف موجود در آن
 - عدم آشنایی کافی اساتید و دانشجویان علوم انسانی با مبانی فکری، معرفتی و قابلیت‌های تمدنی دین اسلام و در نتیجه عدم توانایی در تشخیص وجوه تمایز علم غربی و علم مطلوب اسلامی
 - شکاف ایجاد شده بین علوم سنتی (اصول، کلام و...) و علوم جدید
 - نادیده گرفتن ذخایر و پשתوانه‌های علمی و فرهنگی کشور در مراکز علمی و آموزشی
 - مواضع انتزاعی، غیر واقع‌بینانه و غیر عملیاتی برخی رویکردهای موجود در زمینه تولید علم دینی
 - تمرکز بیش از حد بر بُعد فرهنگی و تبلیغی بحث جنبش نرم‌افزاری و عدم تمرکز و فعالیت کافی در بُعد تئوریک و نظریه‌سازی
 - عدم وجود همدلی و فضای کافی جهت گفتگو و انتقال تجربیات و ایده‌ها فکری و معرفتی بین تفکرات قائل به تولید علم دینی و جزیره‌ای عمل نمودن آن‌ها
 - عدم وجود یک نهضت و خواست فراگیر در زمینه تولید علم دینی در میان مراکز علمی
 - سطحی بودن بسیاری از تولیدات صورت گرفته در حوزه علم دینی و عدم انطباق آن‌ها بر منطق اسلامی
 - کم‌کاری‌های صورت گرفته از سمت حوزه‌های علمیه به دلیل ضعف‌های معرفتی، بینشی و رسالتی موجود در آن‌ها
 - عدم توجه جدی به مقوله فرهنگ (به شکل اعم و اخص آن) و جایگاه آن در عرصه پیشرفت علمی
- * موانع ساختاری و مدیریتی پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی) چیست؟**
- ۲. مقوله‌های ساختاری:** در کنار مقوله‌های معرفتی، دسته‌ای دیگر از عوامل را می‌توان شناسائی نمود

که اصطلاحاً از آن به عنوان مقوله‌های "ساختاری" یاد می‌گردد که خود در مجموع می‌توان این مقوله‌ها را در موارد اصلی و فرعی و به ترتیب زیر ذکر نمود:

الف) مدیریتی - اجرایی (در این مقوله‌ها تأکید بر عوامل انسانی فعال در عرصه‌های مدیریتی و اجرایی نهادهای ذی ربط می‌باشد):

- بهره‌گیری از افراد غیر متخصص، غیر مرتبط و غیر معتقد به بحث تولید علم دینی در مناصب مختلف مدیریتی و اجرایی (عمدتاً میانی) در دستگاه‌های ذی ربط و مراکز علمی و آموزشی (از تصمیم و سیاست‌گذاری تا اجراء)

- ضعف موجود در شورای عالی انقلاب فرهنگی (به عنوان عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیر در خصوص تحول در علوم انسانی) و عدم روشن بودن ضرورت تولید علوم انسانی دینی از سوی برخی اعضای عمدتاً حقوقی این شورا

- استفاده از برخی نیروهای قوی فکری انقلاب و حلقه اصلی تولید علم دینی در مناصب سیاسی و اجرایی - مشغله‌ها و مسئولیت‌های فراوان و وقت گیر برخی فعالان و حلقه اصلی بحث تولید علم دینی - عدم وجود کافی سیاست‌گذاری‌های دقیق و عملیاتی جهت بازخوانی و بازبینی دقیق مبانی فرهنگ علمی غرب و تولید علم دینی

- عدم قدرت اعمال تکلیف ساختاری (الزام آور نبودن تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها) و فراهم نشدن صحیح زمینه‌ها و مسیر اجرایی تولید علوم انسانی دینی

ب) مقوله‌های آموزشی (این مقوله‌ها با تأکید بر عوامل انسانی فعال در عرصه‌های آموزشی و پژوهشی در مراکز علمی و دانشگاهی شناسائی شده و سایر عوامل سازمانی مربوط به مباحث آموزشی در قسمت چهارم همین بخش ذکر می‌گردد):

- قرار گرفتن اکثریت کرسی‌های علمی دانشگاهی در اختیار اساتیدی با رویکرد فرهنگ علمی غرب - ادامه سیاست‌های جذب اعضای هیئت علمی (به ویژه در حوزه مطالعات علوم انسانی) معتقد به مبانی فرهنگ علمی غرب

- پایین بودن نسبی تعداد افراد (به نسبت مخالفان) متخصص و متعهد به مسئله تولید علم دینی

- شهادت برخی از اصلی‌ترین و قوی‌ترین نیروهای فکری انقلاب و به مسئولیت گماردن برخی دیگر از این افراد (البته اکثراً بنا به ضرورت) و دوری ایشان از فضاهاى علمى و آموزشى
- حاشیه‌نشینی برخی اساتید فعال در زمینه تولید علم دینی و دوری آنها از دانشگاه‌ها و مراکز مهم علمى و آموزشى
- عدم تلاش جدی جهت پشتوانه‌سازی، تقویت و بهره‌گیری از نیروهای جوان متعهد، متخصص و البته حق‌پذیر جهت فعالیت در عرصه‌های تولید علم دینی (بالاخص عرصه‌های آموزشى و پژوهشى)
- حضور برخی افراد بدون داشتن دانش كافى پیرامون مباحث علم جدید و علم دینی در فضاهاى علمى و آموزشى مربوط به تحول در علوم انسانی و تولید علوم انسانی اسلامى
- ج) عوامل سیاسى^۱ (مقوله‌هایی که نشئت گرفته از انواع سیاست‌زدگی‌های موجود می‌باشد):
- برخی سیاست‌زدگی‌های موجود در فضای مراکز علمى (انتصابات، رفتارها، جهت‌گیری‌ها و...)
- سیاسى و تزریقى جلوه دادن مسئله تولید علوم انسانی دینی از سوى برخى منتقدین و معارضان
- ایجاد حساسیت‌های بی‌مورد نسبت به بحث تولید علم دینی به دلیل ناشى‌کارى‌های سیاسى صورت گرفته از سوى بعضى مسئولین
- نگاه و برخورد حزبى، سیاسى و دولتى برخى مسئولین و نهادهای مهم تصمیم‌گیر در بحث تولید علوم انسانی دینی (بالاخص در نهادهایی چون: شورای عالی انقلاب فرهنگى، وزارت علوم)
- نفوذ و فعالیت دشمن در حوزه‌های علمیه و شکل‌گیری جریان‌های سیاسى زاویه‌دار با نظام در حوزه‌های علمیه و مخالفت آنها با بحث تولید علم دینی به عنوان مسئله‌ای سیاسى
- د) سازمانى (سایر عوامل محیطى و سازمانى):
- امکانات جهانى و بسیار زیاد تمدن ۴۰۰ ساله غرب جدید و طولانى بودن فرآیند مقابله با آن
- تنظیم و ادامه ساختارها و سازه‌های علمى و آموزشى کشور بر مبنای همان مؤلفه‌های فرهنگ علمى

۱. در واقع این مقوله در میان هر کدام از مقوله‌های بخش ساختاری نیز قابل ارائه بود ولی با توجه به نقش و اهمیت عوامل سیاسى، آن را به صورت مستقل و به عنوان یک مؤلفه اصلی - که می‌تواند حتى با عوامل معرفتى و اخلاقى نیز ارتباط جدی داشته باشد- ذکر می‌نمائیم.

غرب با وجود پیروزی انقلاب اسلامی (بالاخص با سر کار آمدن دولت سازندگی و در پیش گرفتن برخی اقدامات سیاسی و اقتصادی مبتنی بر توسعه برون زا)

- رشد بسیار سریع و بی برنامه مراکز آموزش عالی بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های پیشرفت بومی
- تغییر ساختار و رسالت‌های اصلی و اولیه برخی مراکز علمی فعال در زمینه پر نمودن خلأهای علوم انسانی به صورت کوتاه مدت

- در حاشیه بودن بسیاری از مراکز و مؤسسات فعال در زمینه تولید علم دینی و عدم ارتباط جدی آن‌ها با مراکز علمی و دانشگاهی

- برخی کمبودهای مالی و حمایتی از مراکز و افراد فعال در زمینه تولید علم دینی و عدم سرمایه‌گذاری و توجه جدی و طولانی مدت
- عدم وجود صبر و تأمل کافی و تلقی نادرست از کوتاه مدت بودن فرآیند تولیدات علمی در عرصه علوم انسانی

- وجود برخی محدودیت‌ها، ابهامات و سنگ اندازی‌های ساختاری (قوانین، آیین نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و...) جهت تسهیل در ایجاد رشته‌ها و جذب دانشجویانی با نگرش تحول گرایانه (وجود بروکراسی علمی منطبق با فرهنگ علمی غرب در ساختارها و سازمان‌های ذی ربط و تسلط جدی آن بر مراکز علمی و آموزشی)

- وجود ضعف‌های جدی در زمینه نشر، توزیع و معرفی تلاش‌ها تولیدات صورت گرفته در عرصه تولید علم دینی

- عدم وجود مشوق‌ها و امتیازات مناسب جهت ایجاد خلاقیت و تحول در علوم انسانی و تنظیم عوامل ارتقاء و رتبه بندی مبتنی بر همان مؤلفه‌های فرهنگ علمی غرب (چاپ مقالات بدون توجه کافی به عنصر نوآوری، توجه بیش از حد به ISI نویسی و...)

- جو بروکراتیک و اداری (غیر جهادی) حاکم بر فضای وزارت علوم
- عدم وجود یک شبکه تحقیقات اسلامی منسجم در زمینه سامان دهی به تحقیقات بومی
- نفوذ و فعالیت دشمن در ساختار حوزه‌های علمیه و ایجاد برخی تشکلهای مخالف و زاویه دار با

نظام اسلامی و مخالفت جدی آن‌ها با حضور دین در عرصه تعاملات اجتماعی بشر

* موانع ذهنی، اخلاقی و روان‌شناختی پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی) چیست؟

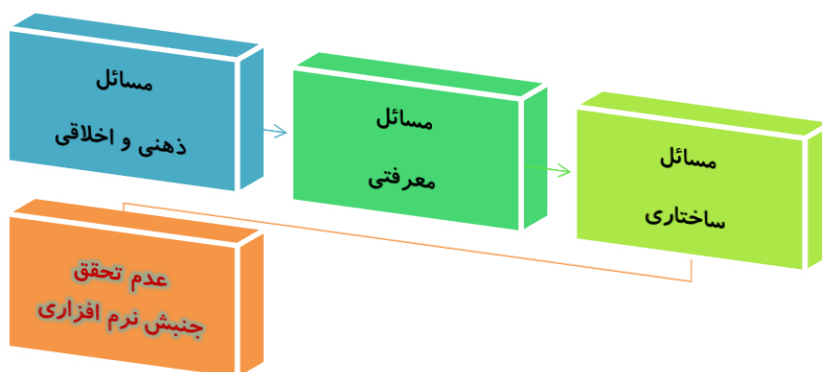
۳. مقوله‌های ذهنی و اخلاقی: در نهایت در کنار مقوله‌های معرفتی و ساختاری، از مقوله‌های "ذهنی و اخلاقی" به عنوان آخرین مقوله‌های مبنائی شناسائی شده در این پژوهش می‌توان یاد نمود، که البته این مقوله کلی خود در دو بخش مقوله‌های فکری-ذهنی و مسائل اخلاقی قابل طبقه‌بندی می‌باشد:
- الف) مسائل فکری-ذهنی (این مقوله‌ها با تأکید بر قابلیت‌های فکری و ذهنی انسان مطرح می‌گردد):
 - عدم وجود خلاقیت علمی، نگرش تحلیل‌گرایانه و نقادانه کافی در میان بسیاری از اساتید علوم انسانی
 - برخی مطلق‌انگاری‌های ذهنی در رد و پذیرش مسائل علمی در محیط‌های علمی و دانشگاهی
 - ساختار فکری سنتی و ذهن بسته برخی حوزویان
- ب) مسائل اخلاقی^۱ (این مقوله‌ها نیز مشتمل بر مسائل شخصی، روان‌شناختی و اجتماعی می‌باشد):
 - خودباختگیِ شخصیتی بسیاری از اساتید علوم انسانی
 - غرب‌زدگی، دلداگی و لذت‌ذهنی و روانی (درونی شدن عناصر فرهنگ علمی غرب) در برخی دانشگاهیان
 - برتری‌طلبی، تعصب، جزم‌انگاری و عدم وجود روحیه حق‌پذیری در میان برخی از اساتید و متخصصین علمی کشور
 - تحریک روانی دانشجویان و مسئولین علیه مقوله علم دینی توسط برخی مخالفان و معارضان
 - استفاده ابزاری از فرهنگ علمی غرب جهت کسب هویت، شخصیت و برخی مواهب اقتصادی
 - استفاده ابزاری از مقوله علم دینی جهت رسیدن به برخی خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی توسط برخی مدعیان تولید علم دینی

۱. با توجه به گستردگی طیف مسائل اخلاقی مربوط به علم در فرهنگ و آموزه‌های اسلامی، این بخش بسیاری از مسائل فردی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و... را در بر می‌گیرد. لذا در این مقوله، بسیاری از مسائل را می‌توان جای داد و سایر مسائلی که ناشی از ضعف‌های موجود در زمینه قابلیت‌های ذهنی و فکری است را می‌توان در مقوله اصلی مربوط به مسائل فکری و ذهنی قرار داد.

- برخی عزلت‌گزینی‌ها و عدم وجود غلقه و هم‌دلی لازم در میان اندیشمندان و فعالان عرصه تولید علم دینی

- و در مجموع: عدم وجود کافی تهذیب نفس، اخلاق و تقوای علمی در میان فعالان عرصه علمی و آموزشی

* جمع‌بندی مقوله‌های شناسائی شده در کدگذاری باز: هرچند که این مقوله‌های کلی، اصلی و حتی فرعی؛ در یک سیستم ارتباطی نظامند، دارای ارتباطاتی نسبتاً متقابل با یکدیگر هستند ولی به طور کلی باید گفت که در میان این مقوله‌ها، مسائل معرفتی اعم از؛ سلبی و ایجابی، از جایگاه خاص و مهمی برخوردار می‌باشند؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت که عدم درک صحیح "مفهوم، ابعاد و حتی ضرورت تولید علم دینی" به وضوح بر بسیاری از مسائل ساختاری تأثیر گذاشته و سبب شده که بسیاری از مسائل ساختاری مبتنی بر این عامل معرفتی شکل و جهت‌دهی خاصی داشته باشد. به همین ترتیب می‌توان گفت که این مقوله‌های مهم معرفتی خود به نوعی (مستقیم یا غیرمستقیم) تحت تأثیر فضاهای ذهنی و اخلاقی اندیشمندان و فعالان عرصه علم و دانش نیز می‌باشند برای مثال؛ عدم وجود قدرت تحلیل و نقادی کافی و یا حتی برخی تعصبات و برتری‌طلبی‌ها و... می‌تواند بر درک صحیح مفهوم، جایگاه و اهمیت تولید علم دینی اثر گذاشته و به دنبال آن، ساختارهای علمی نیز بر اساس همین نگرش معرفتی افراد شکل گرفته و استقرار یابد، و با ریشه‌دوانیدن در لایه‌های مختلف ساختاری سالیان متمادی تداوم داشته باشد.



شکل شماره ۱: سیستم ارتباطی موجود بین مقوله‌های کلی شناسائی شده در پژوهش

- کدگذاری محوری

پس از تجزیه و شکل‌بندی یافته‌های بدست آمده از مصاحبه‌ها و شناسائی مقوله‌های کلی، اصلی و فرعی (ابعاد مختلف موجود در مقوله‌های اصلی)، حال نوبت آن است که وارد مرحله جدیدی شده و گام‌های پایانی این بخش را برداریم. آنچه که قرار است در این قسمت انجام گیرد کدگذاری محوری یافته‌های پژوهش می‌باشد، لذا لازم است مقولات شناسائی شده را در قالب شش جعبه (یا مقوله) "مقوله محوری"، "شرایط علی"، "زمینه یا محیط"، "شرایط مداخله گر"، "راهردها" و "پیامدها" به صورت زیر تنظیم و دسته‌بندی نمایم:

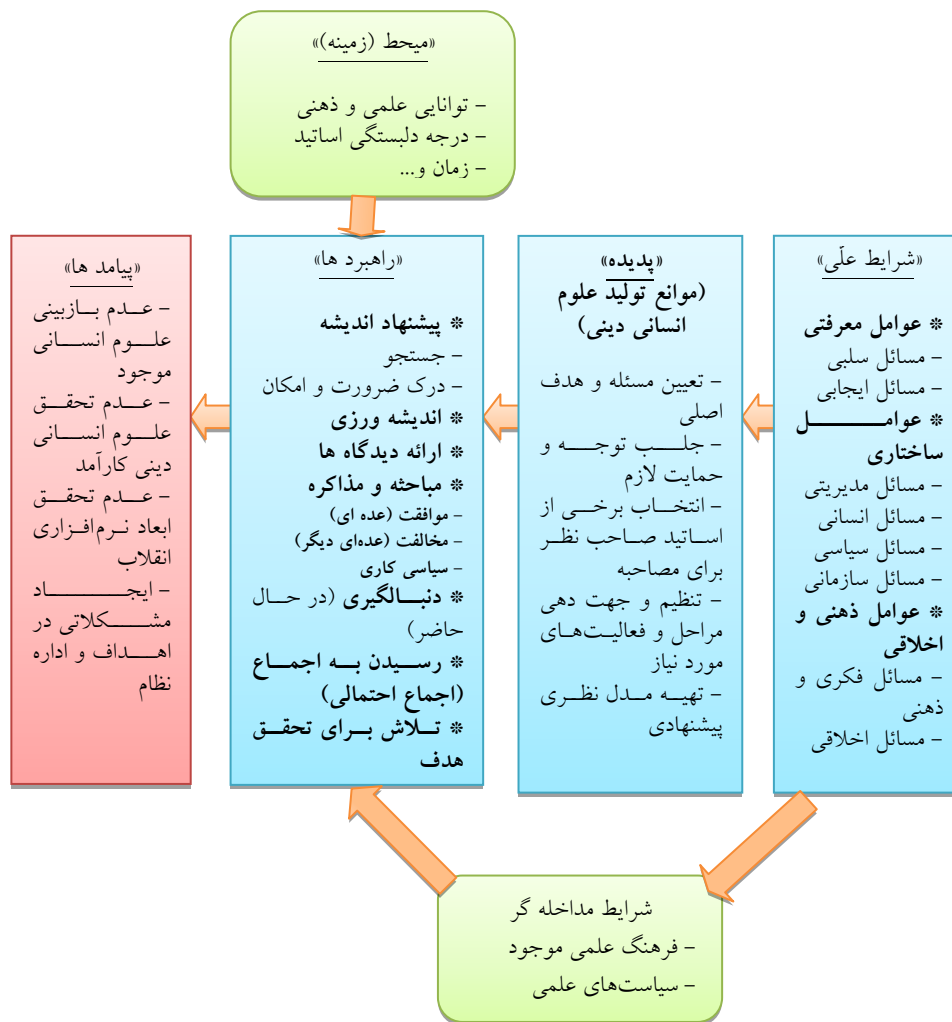
- **مقوله محوری:** از آنجائی که مقوله محوری صورتی ذهنی از پدیده‌ای است که اساس این فرآیند و پژوهش است، و مسئله این قسمت نیز «بررسی موانع تولید علوم انسانی بومی (دینی)» است، می‌توان گفت پدیده مطرح در این مدل همان بحث «موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی دینی» است که برای تحقق این فرآیند، موارد و عواملی همچون: «تعیین اهداف و مسئله اصلی»، «جلب توجه و حمایت لازم برای اقدام»، «انتخاب برخی از اساتید صاحب نظر برای همکاری» (در بحث مصاحبه‌ها)، «تنظیم و جهت‌دهی مراحل و فعالیت‌های مورد نیاز در پژوهش» و در نهایت «تهیه و پیشنهاد مدل نظری» مورد نیاز و پیگیری می‌باشد.
- **شرایط علی:** این شرایط در واقع مربوط به شرایط، عوامل و مقوله‌هایی است که بر پدیده مورد نظر (مقوله محوری) تأثیر می‌گذارند، لذا با توجه به مقوله‌های شناسائی شده، این شرایط و مقوله‌ها را می‌توان در سه دسته عوامل «معرفتی»، «ساختاری» و «ذهنی و اخلاقی» تقسیم‌بندی نمود، بنابراین این شرایط علی، به طور کلی همان مقولات کلی، اصلی و فرعی‌ای است که در قسمت قبل در قالب محورها و سپس جداولی، به صورت نسبتاً مفصل شکل‌بندی گردید.
- **زمینه:** محیط یا زمینه نیز مقوله‌ها و شرایط خاصی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. از همین رو اگر بخواهیم در اینجا این شرایط را مد نظر قرار دهیم باید به عواملی همچون: «توانایی (علمی و ذهنی) اساتید معتقد به تولید علوم انسانی دینی»، «درجه دلبستگی اساتید به علوم انسانی فعلی»، «مدت زمان سپری شده و مورد نیاز» و... اشاره نمایم.

• **شرایط مداخله گر:** در کنار مقوله‌های محیطی که در برگیرنده شرایط خاص هستند، یک سری مقوله‌ها و شرایط زمینه‌ای عمومی نیز وجود دارند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند، این شرایط را می‌توان به نوعی همان مسائل مطرح در محیط سازمانی نیز دانست. با توجه به تأثیرپذیری مستقیم شرایط مداخله گر از شرایط علی و حضور عوامل ساختاری در میان مجموعه مقوله‌های شرایط علی، در واقع می‌توان برخی از این مقوله‌های ساختاری (بلاخص عوامل سازمان) را به شکل خاص تری نیز در شرایط مداخله گر قرار دهیم، چرا این شرایط علاوه بر تأثیر در پدیده و مقوله محوری بر شرایط مداخله گر مؤثر در راهبردها نیز تأثیر می‌گذارند. اما برخی از این شرایط را می‌توان در مقوله‌هایی از قبیل؛ «فرهنگ علمی موجود در مراکز علمی»، «سیاست‌های علمی موجود»، «شرایط مالی» و... مشاهده نمود. البته هر کدام از این مقوله‌ها خود در برگیرنده ابعاد و مقوله‌های فرعی زیادی است که در بخش مربوط به عوامل سازمانی در بعد ساختاری قابل مشاهده و بررسی است.

• **راهبردها:** کنش‌های خاص منتج از پدیده محوری را هم راهبردها می‌نامند که در واقع مجموعه‌ای از عمل‌ها و تعامل‌ها می‌باشد، با توجه به پدیده محوری این پژوهش، می‌توان مجموعه عمل‌های اصلی صورت گرفته از سوی هم موافقین و هم مخالفین علوم انسانی دینی (اسلامی) را چنین بر شمرد: «پیشنهاد اندیشه» (جستجو، فهم ضرورت و امکان)، «اندیشه ورزی»، «ارائه مباحث»، «مباحثه و مذاکره»، «موافقت برخی»، «مخالفت برخی دیگر»، «سیاسی کاری» و در ادامه «دنبال گیری» این بحث جهت رسیدن به اجتماع احتمالی و تلاش در این زمینه.

• **پیامدها:** اما برخی از مهمترین خروجی‌های حاصل از پدیده محوری و بکارگیری راهبردها عبارتند از: «عدم بازبینی و بازنگری مباحث علوم انسانی فعلی (به لحاظ مبادی فکری و کارآمدی آن) در سطح عمومی دانشگاه»، «عدم تحقق علوم انسانی دینی کارآمد»، «عدم تحقق ابعاد نرم افزارانه انقلاب» و «ایجاد مشکلات جدی در پیگیری اهداف، آرمان‌ها و اداره نظام جمهوری اسلامی»

- **گذرانداری گزینشی:** پس از شناسائی و بررسی مقوله‌های شناسائی شده در بخش کدگذاری باز، این مقوله در بخش کدگذاری محوری جمع بندی گردیده و در نهایت در بخش کد گذاری گزینشی در قالب مدل نهائی زیر پیشنهاد می‌گردد.



شکل شماره ۲: مدل نظری پیشنهادی پیرامون بحث «موانع تولید علوم انسانی دینی (اسلامی) در ایران»

۶. بحث و نتیجه گیری

علم‌اندوزی و تولید علم و دانش از مؤلفه‌های اساسی زندگی بشر در طول سالیان متمادی و بالاخص سده‌های اخیر محسوب می‌گردد. امروزه نیز جوامع در پی آن هستند که با افزایش سهم خود در دایره

تولید علم جهانی و همچنین کاربردی و صنعتی سازی آن، گام‌های اساسی را در ارتقاء حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... بردارند. اما به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان در میان علوم مختلف، علوم انسانی و اجتماعی از اهمیت بسیار بیشتری برخوردارند چرا که همچون روحی در کالبد سایر علوم طبیعی و تجربی نیز جریان دارد و در واقع این علوم، علمی جریان ساز هستند که جوانب مختلف زندگی اجتماعی را کنترل و هدایت می‌نمایند. از همین رو، طی دهه‌های اخیر، علوم انسانی بیش از گذشته مورد توجه اندیشمندان و حتی دولتمردان جوامع مختلف (و از جمله جامعه ما) قرار گرفته و جایگاه آن در معادلات مختلف بیش از پیش ارتقاء یافته است.

علم به عنوان یک پدیده فرهنگی - اجتماعی، فارغ از شرایط و تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نبوده و در واقع این عوامل نقش بسزا و بسیار تأثیرگذاری در ماهیت و چگونگی شکل‌گیری یک علم (بالاخص در علوم انسانی و اجتماعی) دارند که البته این موضوع توسط بسیاری از صاحبان فکر و اندیشه مورد توجه و مذاقه قرار گرفته است. جامعه ایران نیز با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شاهد تغییرات و تحولات مهمی در مختصات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه خود بوده است، تحولاتی که بر خلاف فرآیند جهانی سازی فعلی، در پی باز گرداندن دین به عرصه‌های مختلف معادلات زندگی فردی و اجتماعی بشر بوده است. با به وجود آمدن چنین شرایطی، توجه به ضرورت و مطلوبیت تولید علم دینی (بالاخص در حوزه مطالعات علوم انسانی) در مجامع و مراکز حوزوی و دانشگاهی مورد توجه بسیاری از علما و اندیشمندان کشورمان قرار گرفت. هر چند که سابقه بحث لزوم تولید علم دینی به قبل از انقلاب اسلامی ایران باز می‌گردد اما با پیروزی انقلاب اسلامی، توجه به این ضرورت تاریخی چه در بُعد ملکی و چه در بُعد فرا ملکی (بالاخص در کشورهای اسلامی) فزونی قابل توجهی یافت. لذا قریب به چهار دهه است که بحث تولید علوم انسانی بومی (دینی) به عنوان یک ضرورت اساسی جهت تهیه نرم افزارهای مورد نیاز اداره نظام جمهوری اسلامی (برای فراهم نمودن بسترهای لازم جهت تحقق تمدن نوین اسلامی) و همچنین بازتولید اصول و مبانی انقلاب اسلامی از اهمّ مسائل پیش روی کشورمان محسوب می‌گردد.

بحث چرایی عدم توفیقِ چندانِ تولید علوم انسانی دینی در ایران و در واقع همان بحث شناخت موانع پیش روی تولید علوم انسانی اسلامی (علی رغم وجود دیدگاه‌ها و تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه) هدف

اصلی این مقاله بود که برای پرداختن به این مسئله، مصاحبه‌ها و جلسات گفتگویی با تعدادی از چهره‌های شاخص و صاحب نظر این حوزه ترتیب داده شد و نتایج بدست آمده در قالب روش نظریه داده بنیاد (گراندد تئوری) تحلیل و ارائه گردید. طبق داده‌های بدست آمده و تحلیل‌های صورت گرفته، سه دسته از موانع «معرفتی»، «شناختی» و «ذهنی و اخلاقی» در مسئله موانع تولید علوم انسانی دینی شناسائی شد که در این میان، عوامل معرفتی با در بر گرفتن مسائل مختلف سلبی و ایجابی پیرامون علم غربی و علم دینی، به لحاظ جایگاه، از اهمیت بیشتری برخوردار بود و عوامل ساختاری (مسائل مدیریتی، انسانی، سیاسی و سازمانی) نیز که تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر عوامل معرفتی است مقولات زیادی را در خود جای داد و به لحاظ فراوانی مقوله‌ها، بیش از عوامل معرفتی و ذهنی مورد توجه و تأکید اساتید قرار گرفت. عوامل ذهنی و اخلاقی هم که می‌توان بسیاری از آن‌ها را به نوعی عوامل زمینه‌ای مهمی دانست نیز از عوامل مهم و تأثیرگذار در این مسئله بودند. مقولات شناسائی شده در مرحله کدگذاری باز، در مجموع و طی مراحل کدگذاری محوری و گزینشی، در قالب شش مقوله (پدیده محوری، شرایط علی، شرایط مداخله گر، زمینه، راهبردها و پیامدها) تنظیم و دسته بندی گردیده و با در نظر گرفتن یک منظومه ارتباطی دقیق، در قالب یک مدل نظری پیشنهاد گردید.

در هر صورت با وجود تمامی بحث‌هایی که پیرامون امکان، مطلوبیت، ضرورت، کیفیت و حتی موانع تولید علم دینی وجود دارد، آنچه که بسیار حائز اهمیت می‌باشد این موضوع است که موضوع تولید علم دینی بحثی بسیار حساس، پیچیده و فراتر از برخی تلاش‌های فردی و حتی گروهی می‌باشد و نیازمند فراهم شدن مجموعه‌ای از عوامل و شرایط مختلف می‌باشد، بنابراین لازم است عوامل مختلف ساختاری، معرفتی، ذهنی و اخلاقی، با تفکر و دقتی بالا، به درستی (و به صورت هماهنگ) در کنار یکدیگر قرار بگیرند تا بتوانیم منتظر نتایج مطلوب، واقع بینانه و مورد نیاز کشور عزیز اسلامی مان باشیم. "به امید تحقق تمدن بزرگ اسلامی"

منابع

۱. افروغ، ۱، عماد (۱۳۸۶) انقلاب اسلامی و مبانی بازتولید آن، تهران: انتشارات سوره مهر.
۲. افروغ، ۲، عماد (۱۳۸۶) محتواگرایی و تولید علم، تهران: انتشارات سوره مهر.
۳. بازرگان، عباس (۱۳۹۱) مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، تهران: نشر دیدار.
۴. بروغنی، الهه (۱۳۸۷) بررسی چالش‌های نهضت نرم‌افزاری (تولید علم) از دید اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد تهران در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶، پایان نامه کارشناسی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه شاهد، به راهنمایی مهدی سبحانی نژاد.
۵. پارسانیا، حمید (۱۳۸۵) علم و فلسفه، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. پیروزمند، علیرضا (۱۳۹۱) الگو و راهبرد تحول در علوم انسانی، مجموعه مقالات همایش تحول در علوم انسانی، قم: کتاب فردا، صص ۵۱۴-۴۸۳.
۷. چالمرز، آلن اف (۱۳۸۵) چیستی علم، ترجمه سعید زیباکلام، تهران: انتشارات سمت.
۸. حبیبی، غلامحسین (۱۳۹۳) بینش روش شناختی، تهران: انتشارات کتاب همه.
۹. حسنی، ابوالحسن (۱۳۹۰) ضرورت طراحی منطق فهم دینی برای تولید علوم انسانی و اسلامی، مجموعه مقالات کتاب علامه طباطبائی، فیلسوف علوم انسانی - اسلامی، جلد دوم، به کوشش عبدالحسین خسروپناه، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، صص ۳۷۷-۳۵۹.
۱۰. حسنی، سیدحمیدرضا و همکاران (۱۳۹۰) علم دینی؛ دیدگاه‌ها و ملاحظات، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. خامنه‌ای - امام (رهبر معظم انقلاب اسلامی)، سیدعلی (۱۳۹۰) روش‌های علم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۲. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۳) آسیب‌شناسی جنبش نرم‌افزاری، نشریه رواق اندیشه، شماره ۳۷: صص ۱۷-۳.
۱۳. سوزنچی، حسین. (۱۳۸۹). معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۴. قجری، حسینعلی و جواد نظری (۱۳۹۲) کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۵. گلشنی، مهدی (۱۳۸۵) از علم سکولار تا علم دینی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۷. محسنی، منوچهر (۱۳۹۲) مبانی جامعه‌شناسی علم، تهران: انتشارات طهوری.
۱۸. محمدی، منوچهر (۱۳۸۷) بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴) انقلاب اسلامی؛ جهشی در تحولات سیاسی تاریخ، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۰. میرباقری، سیدمحمد مهدی (۱۳۸۶) انقلاب فرهنگی در پرتو تعالی گفتاری در علم غربی، علم بومی و علم دینی، کتاب مجموعه مقالات همایش علم بومی، علم جهانی: امکان یا امتناع؟ تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران، صص ۱۸۷-۱۶۴.
۲۱. میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۸۳) ضرورت و راهکارهای جنبش نرم‌افزاری، رواق اندیشه، مرداد ۱۳۸۳، شماره ۳۲، صص ۶۸-۵۵.
۲۲. واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۲) پیشنهاد تدوین نقشه نوین از مسائل و موضوعات، ماهنامه سوره اندیشه (ضمیمه تحول در علوم انسانی)، صص ۱۳۹-۱۳۸.
۲۳. مصاحبه با دکتر "تقی آزاد ارمکی" با موضوع «بررسی موانع پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۲/۳۰.
۲۴. مصاحبه با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر "صفدر الهی راد" با موضوع «بررسی موانع پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۵.
۲۵. مصاحبه با دکتر "شهلا باقری" با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۴.

۲۶. مصاحبه با دکتر "یحیی بوذری نژاد" با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۲/۲۹.
۲۷. مصاحبه با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر "حمید پارسانیا" با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۸.
۲۸. مصاحبه با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر "محمد حسین زاده" با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۱۱.
۲۹. مصاحبه با دکتر "غلامرضا جمشیدیها" با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۴.
۳۰. مصاحبه با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر "حسین سوزنجی" با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۳.
۳۱. مصاحبه با دکتر "ابراهیم فیاض" با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۲.
۳۲. مصاحبه با دکتر "مهدی گلشنی" با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۶.
۳۳. مصاحبه با دکتر "عبدالحسین کلانتری" با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۴.
۳۴. مصاحبه با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر "علی مصباح یزدی" با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۵.
۳۵. پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

